

انتخب یک ملت از شاعرش می‌خواهد

چند روز پیش در پاسخ یکی از مدیران ارشد صدا و سیما که می‌پرسید چند نفر از شاعرانی را که در جریان انقلاب بالیدماند و ما آنها را به عنوان شاعران انقلاب می‌شناسیم، نام ببرید که بتوانیم آنها را در حد سرآمدان شعر قبل از انقلاب و چهره‌های مطرح دهه‌های منتهی به انقلاب، ارزیابی کنیم، من بدون تأمل گفتم، علی معلم دامغانی، قیصر امین پور و سید حسن حسینی، اما در پاسخ سؤال بعدش که پرسید: حالا اگر یکی دو نفر دیگر را هم بخواهید اضافه کنید آنها چه کسانی خواهند بود، نتوانستم بدون تأمل جوابش را بدهم، البته نه اینکه این تأمل خیلی طولانی شود، شاید ده ثانیه و بعد از دو نفر دیگر نام بردم و گفتم، سلمان هراتی و علیرضا قزوه، آن مدیر ارشد صدا و سیما که در ادامه پی بردم، می‌خواهد در برنامه‌های یا موضوع هنر و ادبیات انقلاب اسلامی شرکت کند، و دارد برای شرکت در آن برنامه آماده می‌شود، از من پرسید ملاک شما برای انتخاب این پنج نفر چیست و چرا اولاً این‌ها را در حد سرآمدان شعر دهه‌های اخیر ارزیابی می‌کنید و دوماً چرا از بین تمامی شاعران برآمده از انقلاب این پنج نفر را انتخاب کردید؟ در جواب، ابتدا شروع کردم و از برخی توانمندی‌های هنری در بیان، خلاقیت‌ها و کشف‌های شاعرانه و ویژگی‌های زبان شعر آنها سخن گفتم، مثلاً اینکه علی معلم این پشتوانه‌های فرهنگی و اسطوره‌های را دارد، حسینی این تشخیص‌های زبانی را دارد و یا قیصر امین پور توانسته است با این توانمندی شیوه تازه‌ای در کاربرد آرایه‌های ادبی ابداع کند و با جمع کردن میان سنت و مدرنیسم به گونه‌ای کاملاً امروزی و مدرن سخن بگوید که در عین حال پیوندی مستحکم و ریشه‌دار با پیشینه‌ها و پشتوانه‌های غنی ادبی و معرفتی میراث فرهنگی و ادبی ما داشته باشد و سلمان هراتی تمامی آمال انقلاب را به زبانی که به زبان توده‌ها نزدیک است؛ هنرمندانه بیان کرده است.

البته ابتدا گفتم که این پنج نفر از بین شاعران برآمده در سالهای پس از انقلاب انتخاب شده‌اند؛ و گرنه بزرگان دیگری از قبیل علی موسوی گزمارودی، طاهره صفارزاده و... که جای خود دارند و بعد در رابطه با قزوه اشاره کردم که او توانسته است ارزش‌ها و مبانی فرهنگ شهادت و ایثار که ارکان انقلاب اسلامی بر آن بنا شده است را در شعری تپنده و جان‌دار به تصویر کشد.

من به همین منوال دلایل خودم را برای بر کشیدن این پنج شاعر از بین شاعران بالیده در فضای انقلاب به عنوان سر آمدان برمی‌شمردم و البته آن مدیر ارشد صدا و سیما قانع نمی‌شد و در جواب من به‌طور مثال می‌گفت، در این ویژگی که شما برای شعر قزوه نام می‌برید فلان شاعر هم خوش درخشیده است، و به همین صورت در رابطه با برجستگی‌هایی که برای شعر حسن حسینی، قیصر امین پور، علی معلم و سلمان هراتی هم اقامه می‌کردم باز او جوابی داشت و شاعر دیگری را که شعرش از همان ویژگی برخوردار بود مطرح می‌کرد. بحث طولانی شد و من که در ابتدا فکر می‌کردم با یک سؤال ساده مواجهم و کار با نام بردن از چند شاعر تمام می‌شود خودم را درگیر در یک بحث چالشی می‌دیدم و احساسم این بود که به این سادگی‌ها دامن این بحث جمع نخواهد شد. بالاخره آن روز چون فرصت زیادی، نه من و نه آن مدیر ارشد صدا و سیما، نداشتیم؛ بحث را تمام نشده رها کردیم و قرار شد فردای آن روز که همدیگر را در جلسه‌ای می‌بینیم؛ صحبت‌ها را پیرامون آن موضوع ادامه دهیم. من تا فردای آن روز ملام با این سؤال از خودم، دست در گیران بودم و برای اینکه جواب قانع‌کننده‌ای برای آن بیابم، به این نکته فکر می‌کردم که واقعاً به‌جز توانمندی‌های هنری چه عامل عمده‌ای موجب می‌شود که برخی چهره‌ها در تاریخ شعر فارسی تشخیص بیابند و ماندگار شوند. یاد حرف بزرگی افتادم که در مقایسه شادروان مهدی اخوان ثالث با اقرانش و همچنین بیان جایگاه او در شعر فارسی گفته بود اخوان شاعری بود که یک ملت آرزوی داشتن آن را دارد و در شعر او آنچه یک ملت می‌خواهد وجود دارد.

حالا فکر می‌کنم همین ملاک می‌تواند در رابطه با چهره‌های ماندگار شعر انقلاب هم صادق باشد، یعنی همین ویژگی‌ها در شعر آنها متجلی است علی معلم دامغانی، قیصر امین پور، سید حسن حسینی، سلمان هراتی و علیرضا قزوه شاعرانی هستند که در هوای انقلاب اسلامی شکفتند و بالیدند و آنچه این ملت و به شکل عام‌تر، ایران از یک شاعر می‌خواهد؛ در آینه شعر آنها متجلی است.

سردبیر

